

اعلام لست کابینه جدید یا اعتراف بر شکست تاریخی نظام « لبرال استخاره » ای !! در افغانستان



محمدامین فروتن

آن گاهی که کمیسیون برگزاری انتخابات افغانستان که زیر نام «کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان» از سوی جلالتمآب کرزی انتصاب شده است طی یک فرمان اضطراری خویش جناب آقای کرزی را شخصیت پیروزدومین دور «انتخابات دموکراتیک ریاست جمهوری اسلامی افغانستان» اعلام مینمود آهنگ آرام شکست مگر خونین نظام « لبرال استخاره ای !! » در افغانستان نیز بروی سٹیژ جامعه فقیر افغانستان به گوش میرسید . و یکبار یگر این حقیقت تلخ را به اثبات رساند که دیگر به جملاتی از قبیل « تاریخ به ما نشان میدهد » یا مثلاً «درسی که میشود از تاریخ گرفت » و اعتماد نکنیم ، واقعیت این است که هرگونه مراجعه به تاریخ گذشته متکی به «حال » است وبس !! وقتی پای تاریخ کشور و جامعه ما به میان می آید کوهی از مشکلات و دشواریها بر شانه های نحیف نسل معاصر سرزمین ما همچون شمشیر «دموکلس» فرود می آیند !!! شگفت انگیز است که در این آشفته بازار مکاره ی «سیا » ست لاشخواران انسان نما از چراگاه ها و علفزار های دنیای به ظاهر متمدن نظام «سرمایه داری اهلی ناشده معاصر» بر گستره ء پوسیده جامعه ما نازل شد و پوسیده ها را دوباره پوسانید و به کمک نگاه های « شخصی و سلیقوی به تاریخ !! » و رجال قلم و اندیشه ، فرهنگ تاریخی مردم ما را از مفهوم تهی کرد و بذر جلوه های یک فرهنگ تجملی مصرفی رادرمین شحم کرده و آماده برای هر انحطاط پاشید ند ! و اینک جماعتی از برده گان به ظاهر «پیروز شده !» با یک تقلب آشکارو « شبه دموکراتیک» که بر نردبان قدرت مصنوعی نشانده شده ، چنگالهای هولناک خویش را بر تن جماعت عظیمی از مردم فرود کرده اند و بدین سان روح عدالت طلب مردم ستمدیده افغانستان را برای همیشه از جامعه فقیر ما تبعید کرد !

جالب و شگفت انگیز است آنچه که در عملکرد های « سهامداران و شریکان !! » این « شرکت تجاری و شبه دولتی » جلب توجه میکند همان مبنای « منافع مشترک » آنهاست که به مثابه دکترین و نسخه « هویت مشارکت و اعتبار سیاسی » این گروه مافیائی به حساب می آید. البته هر سرمایه دار و « سیأ » ست مدار این « میدان منافع » میزان سهم خود را به تناسب گسترده گی فعالیت های مافیائی خویش استوار و یاهم توجیه میکنند . لهذا کاملاً طبیعی است که بنابر موارد و پندار های فوق اندیشه سیاسی و جهان بینی اصلی این گروه غارتگر را بوجود آوردن و تأسیس اداره ای شبه دولتی تشکیل میدهد که نباید توجه به اخلاق ، عدالت و ارزش های فرهنگی و تاریخی مردم ملاک مشروعیت دولت ها قرار گیرند و تنها در این روند ضرورت حفظ و بقاء حاکمیت ایجاب میکند که حاکمان و فرمانروایان به مقتضای شرائط هر جامعه به خشونت ، ستم و دروغگوئی و دو روئی متوصل می شوند.!! حاکمان و زمامداران دست نشانده برای دفع یا کنترل شرور انسانی و شرط برقراری نظم در جامعه ، ایجاد و استقرار شبکه های عنکبوتی مافیائی است که با وعده های چرب و دروغین مادی بر دل و دماغ ملت های فقیر و بیبناوی جهان سوم منجمله افغانستان جنگ زده است .

قدرت انتخاب در دموکراسی وارداتی :

آنچه را که می خواهیم بگویم و بنویسم و یکی از اساسی ترین و اصلی ترین مسائل افغانستان و جهان سوم تلقی میگردد ، « قدرت انتخاب » است که متأسفانه با سپری شدن هشت سال تمام و هزینه کردن ده ها میلیارد دالر پول نقد بنام « مبارزه با تروریسم و القاعده » و « باز سازی کشور جنگ زده افغانستان » باز هم می بینیم که با استفاده از تجربیات و طرح های کارگشته ترین متخصصین نظامی و اقتصادی کشورهای صنعتی جهان از نقطه ای که مبارزه با « تروریسم بین المللی و بازسازی افغانستان » را آغازیده بودند از نو آغازیدند .!! و اکنون می بینیم که ثمره آن همه « دیپلوماسی ها و استراتژی ها » ی بکر و تازه و « کاغذ پیچ » نظامی و سیاسی از آغاز تا اکنون یک « فریب بزرگ !! » بوده و بس . چنانچه با روشنی دیده میشود و در انجام هر " پروژهء فریب " که شاه بیت و عوارض اصلی بحران جامعه ما محسوب میشود مشکلی بنام « فساد اداری » به نظر میخورد که در مرحله کنونی دل مشغولی بسیاری از زمامداران و شرکای شرکت سهامی افغانستان را فراهم ساخته است ، بدون شک اینگونه موضوعاتی که بیشتر جنبه های نمائیشی را دارند و در راستای انحراف افکار عمومی از ریشه های اصلی فاجعه بکار گرفته میشود بزرگترین دل مشغولی روشنفکر نمایان ما به حساب می آیند و چنین است که با روشن ساختن و نگاه کردن به تمامی وسائل ارتباط جمعی مافیائی مانند رادیو تلویزیون های بیست و چهار ساعته ماهواره ای و کابلی ، مطبوعات و روزنامه ها ، ایجاد سمارق و ار احزاب و سازمانهای سیاسی و اجتماعی که در برپائی میزهای مدور رادیو تلویزیونی به نمائیش گذاشته میشوند و رکن مهم جامعه مدنی و دموکراسی به حساب می آیند ، روز خویش را با مرثیهء « مبارزه با فساد

اداری « می آغازند ، چنانچه دیدیم و به چشم سر مشاهده نمودیم وقتی جلالتمآب کرزی « رئیس جمهوری دولت اسلامی افغانستان » برای نخستین بار از « مبارزه با فساد اداری » به مثابه یک ضرورت تاریخی در سیستم مافیائی حاکم یادآوری می نمودند هر دو بازویش را پهلوانان پنبه ای و غارتگران بیت المال و سمبول های فساد و جنایت به عنوان همکاران دور جدید زمامداری اش می فشردند و مردم درد دیده افغانستان نیز بادیدن این سمبل های از « فساد و غارتگری » مانند همیشه بر حال و آئنده خویش گریستند و بر « **حقانیت و صداقت** **کاذبانه !!** » این نوع مبارزه پی بردند ! و با خود گفتند و پنداشند که « **این قصه سر دراز دارد !** » زیرا میدانستند و میدانند که ریشه اصلی این نوع گزینش ها با کدامین « **اهرم قدرت** » لایتنه‌ی شامل در ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم شاید گره خورده باشد . ؟ اما با گذشت زمان و با هربار تأخیری که در معرفی سائر اعضای گروه مافیائی یا همان « **کابینه دولت جدید افغانستان** » بوجود می آمد بازار شائعات نیز که میان شهریان کابل به آوازه های سر چوک شهرت یافته است گرم ترمیگردید و سرانجام روزنامه معروف **Altehaad** چاپ امارات به نقل از منابع دیپلماتیک در کابل فاش ساخت که کمیسیون ده نفره و متشکل از سفرأ و نمائنده گان کشور های قدرتمند شامل در ائتلاف جهانی ضد تروریسم در افغانستان برای گزینش اعضای کابینه زمانی بوجود آمد که طرح ایجاد یک مقام اجرایی در چهارچوب دولت افغانستان که از سوی مأمورین ایالات متحده امریکا و در پرتو استراتیژی جدید آقای اوباما رئیس جمهور امریکا پیشنهاد گردیده بود به دلیل تناقض با قانون اساسی کشور از جانب گروه قدرتمند شرکا و سهامداران نظامی و سیاسی در ائتلاف ضد تروریسم به ناکامی انجامید موضوع تقسیم انتقال و تقلیل قدرت از شخص کرزی به کمیسیون های سه گانه « **نظامی و امنیتی ، بازسازی و اقتصادی ، سیاست خارجی** » به صورت مستقل مورد بحث قرار گرفت و نمائنده ایالات متحده امریکا شخص آقای علی احمد جلالی سابق وزیر داخله افغانستان را مناسب ترین فرد برای پیش برد امور نظامی و امنیتی در رأس کمیسیون « **نظامی و امنیتی** » پیشنهاد نمود ، مگر واکنش و عکس العمل نمائنده انگلیس که حمایت چند کشور دیگر اروپائی را نیز با خود داشت در برابر چنین پیشنهاد نمائنده ایالات متحده امریکا سبب آن شد که طرح انتقال و تقلیل قدرت رئیس جمهور کرزی به کمیسیون های سه گانه فوق الذکر از هم بپاشد و سفرای هر دو کشور « **ایالات متحده امریکا و انگلستان** » جهت مشورت با مقامات بلند رتبه کشور های خویش عازم واشنگتن و لندن گردیدند که بالاخره هر دو کشور پرنفوذ و مقتدر در ائتلاف ضد تروریسم یعنی ایالات متحده امریکا و انگلستان موافقت نمودند که تا تدویر کنفرانس لندن و لویه جرگه صلح یا « **شورای بزرگان** » که ممکن است در تابستان سال جاری از سوی اداره کابل فراخوانده شود به یک اجماع اضطراری تن دهند و بصورت فوری با حفظ فورم قدیم رژیم یعنی « **نظام ریاستی** » لست اعضای کابینه را اعلام نمایند . و آقای گیتس **Robert Michael Gates** وزیر

دفاع ایالات متحده امریکا طی یک مسافرت عاجل به کابل در یک کنفرانس مطبوعاتی دوتن از وزرای دفاع و داخله افغانستان را «افراد شایسته و متخصص!!» بویژه در پیشبرد امور امنیتی و نظامی قلمداد نمودند و با این اظهارات آقای گیتس **Robert Michael Gates** وزیر دفاع امریکا که گویای خواست استراتژیست های انگلیسی بود حضور مجدد آقایون وردگ و حنیف اتمر در پست های وزارت دفاع و داخله افغانستان تقریباً قطعی محسوب گردید . نویسنده این سطور نیز طی تماس های که با منابع نزدیک با ریاست جمهوری افغانستان داشتم مضمون گزارش روزنامه الاتحاد **Altehaad** چاپ امارات متحده عربی را بصورت مجموعی تائید نمودند .

بدین ترتیب یکبار دیگر پرده از شگرد های شیطانی ائتلاف جهانی ضدتروریسم در افغانستان برداشته شد و همچون هشت سال گذشته بازی متعفن قدرت های بزرگ بر «جغرافیای تحقیر شده ی افغانستان بی رحمانه آغاز گردید . البته و با هزاران تأسف باید بر این واقعیت انکار ناپذیر اعتراف کرد که «شبه روشنفکران جامعه و چیزفهمان تاریک اندیش کشور ما!!» که در فضای ماه آلود و نا هنجار کنونی به هر «صدای چرب و شیر ده» مافیائی حاکم بر جامعه افغانی لیبک می گویند و صف های طولی را برای غارت کردن و توجیه کردن غارتگری ها تشکیل داده اند و حاضر اند در بدل چند پُست و مقامی که وعده های سرخرمن مهره های مافیائی بیش نیست دین و تمامی ارزشهای مقدس انسانی و مردمی شانرا به دنیا معامله میکنند ، چنانچه درگرمای تبلیغات انتخاباتی « "ریا" ست جمپ خوری!!*» افغانستان بخوبی دیدیم و به چشم سر مشاهده نمودیم که برخی از چهره های به ظاهر معزز!! و بازمانده گان نسل « مفتخوار جنگی!!» که از قضای روزگار «سند زعامت جهاد و مقاومت» را نیز هرگاهی و لزوماً به نمائیش می گذارند با اینگونه وعده های « سر خرمن مافیائی» دلخوش ساخته وبه مثابه معامله گران باتجربه و موفق سیاً "سی" داخل میدان معرکه شده وبا رفتن خود برسر چند منبر و ذکر فیوضات و برکات چند گانه ای از پهلوانان معرکه وبه نفع کاندیدای ویژه ای تنور انتخابات "ریا" ست جمهوری افغانستان را گرم تر ساخته بودند . « توخود حدیث مفصل بخوان از این مجمل ! » .

ظهور طبقه متوسط مستعجل سرمایه داری در افغانستان :

وقتی قوانین تحول و عوامل ایجاد ظهور طبقات اجتماعی مورد بحث قرار میگیرد بخوبی می بینیم که در امتداد سه دهه درد ، جانکاهی که بر مردم ما رفته است از اثر عوامل و علل معین سیاسی و اقتصادی یک قشری از « اشراف زاده گان» مستعجل بر بستر بحران زده جامعه افغانی ظهور میکند و این طبقه متوسط شبه سرمایه داری که بصورت مصنوعی تلاش دارد وسیعی میکنند تا با اقدامات غیر عادلانه و مافیائی خویش مهمترین « اهرم های قدرت» کاذب در جامعه افغانی را تصاحب کنند ، چنانچه آقای قیوم کرزی برادر ارشد جلالتمآب حامد کرزی پیوست با انتصاب آقای کرزی بحیث رئیس جمهوری افغانستان تعداد ۲۰۰ تن از روزنامه نگاران و ژورنالیست های معروف افغانستان

را به یک ضیافت مجلی در یکی از هتل های پنج ستاره ای شهر کابل دعوت نمودند و ولیعهد قیوم خان کرزی راجع به مزایای حاکمیت نظام سرمایه داری خطابه های آتشی را ارائه نمودند ، و در ضمن این ضیافت شاهانه برای هر یکی از مدعوین ضیافت مبلغ دوصد دالر پول نقد را نیز به عنوان تحفه هدیه نمودند . البته یکی از اهداف آقای قیوم کرزی در برپائی چنین ضیافت های شاهانه و توجیه نادرست حاکمیت سرمایه داران افغانی که در واقع دلالت و راه بلدان مافیای بین المللی دنیای صنعتی غرب اند شاید این بوده باشد که حضور پشت پرده خود را به مثابه دلال همه وقت قدرت های پشت پرده غربی که پس از آنکه شخصاً و رسماً از عضویت در پارلمان افغانستان استعفاً دادند و به مثابه حلقه قابل اعتبار میان مخالفان مسلح نظام یعنی طالبان و قدرت های مافیائی حاکم بر افغانستان وارد صحنه گردید ، و به بسیار زودی در کنار تبارز نقش خانواده سلطنتی عربستان به حیث دلال اصلی مذاکرات و تدویر گردهم آئی های مجلی سیاسی در شهر تاریخی « مکه معظمه » زبانزد محافل مطبوعاتی شد و با تدویر چنین گردهم آئی های مجلی مافیائی « **فیل اش هوای هندوستان کرد !!** » و خواست در نقش تیوری پرداز مهم و شماره اول این « نظام سرمایه داری کاپی شده » ظاهر شود تا بدین وسیله خدمات ناقابل اش !! در راه ارضای برده داران معاصروستمگران جهانی محاسبه شود ، !!! بنا براین هرکسی و هر مؤسسه و سازمان سیاسی و اجتماعی که بخواهد در رهبری جوامع جهان سومی نقش ایفا کنند باید با مسائل پیچیده امروزی به عنوان رهبران آینده جامعه ما ، نمونه سازی انسانی ، سرمشق و تیب های ایده آل ملی و الگوهای انسانی و همچنین مسأله فلسفه و سیاست ، فلسفه رهبری و هدایت اجتماعی نگاه کنند و روند تکاملی آنها را کاملاً در نظر بگیرند ، البته باید اکیداً توجه کرد که آهنگ این گونه اندوخته ها و ارزشهای ملی و معنوی رامیتوان تنها در سینه های جوانان مؤمن و اینارگری جستجو کرد و شنید که همچون کوهی از ایمان و معنویت برقله ای از رنج ها ایستاده اند و عموم ملت ها و انسان ها را با ندای ملکوتی صلح بسوی زندگی دعوت میکنند و فرامی خوانند ، نباید بکوشیم و هرگز نه میتوانیم تا از افغانستان یک امریکا و اروپای دیگر بسازیم ، بجای اینکه با تقلید از امریکا و همچنان رژیم های « سرمایه داری به عقل آمده معاصر !! » در حیطة و قلمرو نظام روبه زوال « ماشینیسم » هویت ملی و انسانی مانرا نفی کنیم ، و بجای اینکه با ریتم جنون آمیز « مصرف » تنها بسوی باز هم « مصرف و تجدید » بتازیم و انسان خردمند معاصر را تلف کنیم ، باید بکوشیم با « اندیشه نو و نگاه جدید به تاریخ و زندگی » در کنار هم حرکت کنیم . تا به قول دانشمندی تمدن جدیدی را در قرن جدید بوجود آوریم .

و من الله التوفیق

۳ جنوری ۲۰۱۰ مطابق ۱۳ جدی ۱۳۸۸